

انقلاب اسلامی، پُست مدرن نیست یک عهد جدید است

۲۵ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۲۱

موسی نجفی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: برخی مانند فوکو معتقدند که انقلاب اسلامی اولین انقلاب پُست مدرن عالم است، در حالی که پست مدرن نیست بلکه یک عهد جدید است.

جوان و تاریخ: دکتر موسی نجفی به عنوان نظریه پرداز «نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان» نیز شناخته می شود، مصاحبه زیر، پیرامون دیدگاه وی در مورد انقلاب اسلامی انجام شده است که بخشی از آن را در زیر می خوانید؛
*در کتاب انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی به تعبیر فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اید. منظورتان از این تعبیر چیست؟

بحثم بیشتر ناظر به فلسفه سیاسی است که مبتنی بر فلسفه تاریخ است. البته انقلاب‌ها می‌توانند پرسش‌های فلسفه سیاسی را هم جواب دهند؛ مانند پرسش از مشروعیت یا از قدرت. یکی از این پرسش‌ها، پرسش از حکومت ایده‌آل است و انقلاب‌ها هم با توجه به اینکه در مورد حکومت ایده‌آل سخن می‌گویند، بایستی پاسخی به آن بدهند و می‌دهند. انقلابیون چرا انقلاب می‌کنند؟ چون از وضع موجود ناراضی‌اند. اما چرا ناراضی‌اند؟ چون حکومت ایده‌آل نیست و دارای اشکالاتی است.

اینجا دو پرسش وجود دارد: بعضی از انقلاب‌ها، تا این حد متوقف می‌شوند و می‌گویند وضع بد است و می‌خواهند آن را تغییر دهند. اما برخی از انقلاب‌ها، می‌گویند نه، وضع فعلی بد است و وضع خوب این چنین است. در مورد دوم، فلسفه سیاسی هم نیاز است که انقلاب اسلامی، واجد آن است. لذا هم به وضع گذشته انتقاد و هم برای وضع ایده‌آل برنامه داشته است. البته همه انقلاب‌ها، فلسفه سیاسی به این گستردگی ندارند.

*مثلاً کدام انقلاب‌ها چنین فلسفه سیاسی ندارند؟

انقلاب‌های بزرگ، مثل انقلاب فرانسه، روسیه یا انگلیس دارند. در انقلاب‌های کوچک بر روی مبانی فلسفی حکومت ایده‌آل کار نشده است. مثلاً در انقلاب مشروطه در ایران، شکی نیست که فلسفه سیاسی وجود داشته است، اما مشروطه خواهان نمی‌دانستند هدف از مشروطه چیست. برای همین در نوشتن قانون اساسی دچار مشکل شدند یا در نهضت ملی شدن صنعت نفت، به طور مبهم می‌دانستند که سلطه بیگانه وجود دارد، اما نمی‌دانستند که فلسفه سیاسی که با تکیه بر آن، می‌خواهند وضع فعلی را تغییر دهند چیست. لذا وقتی شاه از ایران فرار کرد، هیچ برنامه مدونی برای کشور نداشتند. از این رو نمی‌توان گفت مشروطه به هیچ وجه فلسفه سیاسی نداشته، اما مسلماً ناقص بوده است. در حالی که انقلاب اسلامی، فلسفه سیاسی کاملی دارد. با فلسفه سیاسی انقلاب هم می‌توان وضع «قبل از انقلاب»، هم «وضع موجود» و هم «وضع مطلوب» را مشخص کرد و لذا فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی، ناظر بر این سه وضعیت است.

اگر براساس مدل انقلاب فرامدرن، انقلاب اسلامی را در افق بیداری اسلامی ببینیم، می‌توان با فلسفه سیاسی به این سه بُرش پردازیم. جنبش‌ها و نهضت‌ها، مدل نظام سیاسی که اتفاقاً در فلسفه‌های سیاسی، مسئله خیلی جدی است و مدل تمدن جدید اسلامی که به وضع مطلوب عالم و طرح یک عالم دینی نگریسته می‌شود. در قسمت سوم است که فلسفه سیاسی با فلسفه تاریخ پیوند می‌خورد. در فلسفه سیاسی غرب مثلاً نظریه پایان تاریخ یا جنگ تمدن‌های هانتینگتون هم همین‌طور بوده است. اینها نوعی فلسفه تاریخ است که آینده جهان را براساس الگوی لیبرال - دموکراسی تبیین می‌کند.

مدل تمدن نوین اسلامی، دو مرحله دارد: قبل از عصر ظهور و عصر ظهور. اگر بتوان نظام سیاسی اسلامی قبل از ظهور را ایجاد کرد، تمدن نوین اسلامی هم ایجاد می‌شود. تمدن نوین اسلامی، می‌تواند شکننده تمدن نوین غرب باشد و هم یکی از پیش‌زمینه‌های ظهور مهدویت تلقی شود. البته ممکن است شکل تام تمدن اسلامی در عصر ظهور محقق شود.

* شما در آثارتان این مسئله را با بحث «اجمال و تفصیل» توضیح داده‌اید؛ به این صورت که نظام فعلی اسلامی می‌تواند اجمال عصر مهدویت باشد که تفصیل می‌یابد!

بله؛ درست است. می‌توان گفت که فلسفه‌های سیاسی می‌توانند یا مبتنی بر عهد قدیم باشد و یا مبتنی بر عهد جدید. البته عهد قدیم در اینجا، مدرنیته است. غربی‌ها می‌گویند با آمدن پست مدرنیته، دوره مدرن گذشته و قدیمی شده است. اما انقلاب اسلامی براساس عهد قدیم رخ نداده، بلکه یک عهد جدید است. اینکه عهد جدید چیست؟ برخی مانند میشل فوکو معتقدند که انقلاب اسلامی، اولین انقلاب پست مدرن عالم است، در حالی که پست مدرن نیست، زیرا پست مدرن حتماً و صرفاً در افق مدرنیته متولد می‌شود.

* آیا می‌توان وجه تمایز مدرنیته و پست مدرنیته با عهد جدید دینی را سکولاریسم دانست؟

بله! دقیقاً همین‌طور است. انقلاب اسلامی، نه مدرن است نه پست مدرن، زیرا اولین ویژگی مدرنیته و پست مدرنیته این است که از عهد قدیم خارج نمی‌شوند، زیرا آغشته با سکولاریسم هستند. در صورتی که انقلاب اسلامی در هر سه مرحله جنبش‌ها، نظام سیاسی و تمدن اسلامی، در عهد جدید است و یک حلقه تکاملی را کامل می‌کند و لذا در همه موارد، دینی است. از این‌رو، تقابل ذاتی با نظام‌های وابسته به غرب و با نظام لیبرال - دموکراسی موجود دارد. به همین دلیل در هر سه مرحله بیداری اسلامی که منظور از آن، کل تاریخ بیداری اسلامی در یک قرن اخیر است، دقیقاً در مقابل انقلاب فرانسه، از هویت ملت‌های اسلامی دفاع کرده است. بیداری اسلامی اساساً با حمله ناپلئون به مصر شروع شد. هرچند این حرکت ابتداء، سلبی بوده و امروزه ایجابی شده است.

* آیا با انقلاب اسلامی ایجابی شده است؟

خیر! در مشروطه هم ایجابی بوده است. اما همان‌طور که گفتم، فلسفه‌های ایجابی‌اش کافی نبوده است. فلسفه‌های سیاسی قبل، تغییردهنده وضع موجود بوده اما این مسیر با امام (ره) کامل‌تر شده است. لذا به این معنا نیست که قبلاً هم نظریه نداشته‌ایم. مثلاً در مشروطه، مرحوم نائینی یا شیخ فضل‌الله نوری یا حاج‌آقا نورالله اصفهانی و بسیاری دیگر، نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ اما در آن زمان مدرنیته، قدرتش بیشتر از امروز بوده و انقلاب مشروطه را در افق همان عهد مدرن تفسیر کرده‌اند، در صورتی که خودش هم می‌توانسته یک بیداری اسلامی باشد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۹۵۵/انقلاب-اسلامی-مدیران-ست-پ-اسلامی-انقلاب/۲۲۹۵۵>